

درجه

بی کیفیت ترین خودروها با گران ترین قیمت فروخته می شود

● فرمانده پلیس راه کشور با تأکید بر اینکه تولید خودروهای بی کیفیت توجیه اقتصادی، فنی و ایمنی ندارد، گفت: تأثیر این خودروها در حوادث جاده‌ای انکارناپذیر است. در بیشتر موارد خودرو به دلیل اینکه بدنه ضعیفی داشته و از آلیاژ مقاومی تولید نشده است، بدنه آن به طور کامل جمع شده و حتی نمی‌توان اجساد را از داخل خودرو خارج کرد. سردار محمدحسین حمیدی درباره لزوم استفاده صنایع خودروسازی از ظرفیت‌های دانشگاهی برای تولید خودروهای باکیفیت گفت: به غیر از فساد، وابستگی و مسائل این‌چنینی موضوع دیگری درخصوص عدم استفاده از ظرفیت‌های دانشگاهی وجود ندارد. متأسفانه تولید چنین خودروهایی توجیه اقتصادی، فنی و ایمنی ندارد، اما باز هم تولید می‌شود و کشور را با آن به چالش می‌کشند و معتقدم جز فساد چیز دیگری در میان نیست. محصول انحصار، فساد است، پلیس بارها و با صدای بلند اعلام کرده است اما آنهایی که باید گوش کنند، گوش نمی‌دهند و توجه نمی‌کنند، چراکه برایشان مهم نیست. فرمانده پلیس راه کشور با بیان اینکه بی‌کیفیت‌ترین خودروها با گران‌ترین قیمت به مردم فروخته می‌شود، خاطرنشان کرد: متأسفانه کنترل و نظارتی بر خودروسازی وجود ندارد و واردات محدود است، افرادی که مسئول استناد، صنعت و اقتصاد هستند، در این وادی نیستند. متأسفانه شعار و حرف‌های پوپولیستی زیاد گفته می‌شود، اما در عمل مردم و پلیس در ادوار گذشته چیزی ندیدند. سردار حمیدی با اشاره به واردات خودروها گفت: در داخل کشور ظرفیت برای ارتقای کیفیت صنعت خودروسازی وجود دارد. به طور مثال ما لاستیک تولید می‌کنیم و تولیدات داخلی به مراتب بهتر از لاستیک‌های وارداتی است، اما باز هم این مرض واردات دست‌بردار نیست و این فسادى که در واردات وجود دارد، طمع ایجاد می‌کند و اجناس بی‌کیفیت وارد کشور می‌کنند و به مردم می‌دهند و نتیجه این می‌شود که در جاده‌های کشور به طور مداوم با تردیدگی لاستیک‌ها مواجه هستیم. کسی با فساد در این بخش برخورد نکرده، اگر برخورد شده است ریزنمره آن را نشان دهند. وی با بیان اینکه پلیس طبق قانون بیش از این کاری نمی‌تواند انجام دهد، تصریح کرد: برخی از کارشناسان مطرح کرده‌اند که اگر پلیس به تولید خودروی داخلی ابراد می‌گیرد، پس چرا آن را شماره‌گذاری می‌کنند. من در پاسخ به این افراد می‌گویم پلیس طبق قانون عمل می‌کند. قانون می‌گوید وقتی دولت، صنعت و استاندارد خودروی را تأیید کرد، پلیس مکلف به شماره‌گذاری است. براساس قانون هر خودروی بی‌کیفیتی را پلیس باید شماره‌گذاری کند، بنابراین این قانون مشکل دارد و باید اصلاح شود یا استاندارد و صنعت، سردار حمیدی تصریح کرد: وقتی تولیدکننده می‌بیند مردم برای جنس بی‌کیفیت آن در صف‌های طولیل ایستاده و هزینه خودرویی که قرار است سال آینده دریافت کنند را امسال می‌پردازند، بنابراین به دنبال ارتقای آن نیست. وی در بخش دیگری از صحبت‌هایش یادآور شد: در بسیاری از استان‌ها مانند سمنان، خراسان رضوی، اصفهان، کرمان، یزد، خراسان جنوبی و در کل استان‌های کویری میزان واژگونی بعضا تا ۷۰ درصد حوادث ترافیکی را شامل می‌شود. وی با اشاره به جاده‌ها وقتی خودرو سبقت می‌گیرد، با انحراف به چپ پیدا می‌کند یا با خودروی دیگری برخورد می‌کند و بارها و بارها شاهد این ماجرا در جاده‌ها بوده‌ایم، اما چنانچه خودرو ایمن باشد و سیستم ایرک آن به درستی عمل کند، سرشتیان و راننده آسیب ندیده یا کمتر آسیب می‌بینند، اما در بیشتر موارد خودرو به دلیل اینکه بدنه ضعیفی داشته و از آلیاژ مقاومی تولید نشده است، بدنه آن به طور کامل جمع شده و نمی‌توان حتی اجساد را از داخل خودرو خارج کرد.

درجه

مفهوم بهزیستی از دل تعریف سلامت بیرون می آید

...من شاهد نیازمندی بالای زنان در خانه‌ها برای دریافت کمک و حمایت بودم. در مقابل تعداد محدودی از کارشناسان بخش باید به پرورنده تمام مددجویان رسیدگی می‌کردند. مدیر بخش، خدایان روان‌شناسی بود که باید خدمات پذیرش، بررسی پرورنده، نیازسنجی، مشاوره، کمک حقوقی، مددکاری اجتماعی و... را در یک زمان ارائه می‌داد. این فظظ یکی از نیروهای کارآمد بود که سه سال درخواست استعفاایش با موافقت روبرو نمی‌شد. فرسایش شغلی بالا و نارضایتی از میزان اثربخشی خدمات دلایل ترک شغل بودند؛ بنابراین باعث ازبین‌رفتن بیابایی، شونایی یا صدمه یا تغییر شکل صورت، سینه‌ها یا اندام تناسلی او‌شود، به اعدام یا حبس ابد محکوم می‌شود و برای صدمه به قسمت‌های دیگر بدن بین هفت تا ۱۴ سال حبس پیش‌بینی کرده است. همچنین طبقه‌بندی مجازات تعزیری براساس میزان به اعضای بدن نکته قابل توجهی است که در ماده (۲) طرح برای رعایت تناسب میان جرم و مجازات پیش‌بینی شده است. نکته مثبت دیگری که در تبصره (۱) ماده (۲) طرح پیش‌بینی شده است و در جهت حمایت از زه‌دهیده و تسهیل جبران خسارت است، پرداخت دیه از بیت‌المال در صورت عدم دسترسی یا شناسایی مرتکب در فرضی که مرتکب اموالی نداشته باشد یا اموال وی کافی نباشد، است.

این ماجرای هرساله است؛ اینکه در فصول مشخصی از سال، شهرداری، بهزیستی و دیگر نهادهای مربوطه برای پاک‌سازی شهر از حضور کودکان کار، معنادان و متکدیان اقدام می‌کنند. هر سال در زمان‌های مقرر پس از ایـن جمع‌آوری‌ها و انتقال هرکدام از این گروه‌های جمع‌آوری‌شده، اعتراض‌های نهادهای مدنی به این جمع‌آوری‌ها بلند می‌شود؛ حتی اگر مدتی هم خبری از کودکان سر چهارراه‌ها و کنار گذر نباشد، مقطعی است. ماجرا اینجااست که هم جمع‌آوری‌های بهزیستی جواب نمی‌دهد و انکار هر سال بنا بر وظیفه یک اتفاق تکرار می‌شود و هم اعتراض نهادهای مدنی به این ماجرا کوتاه است. انکار هر دو گروه بنا بر فراخور زمان و مکانی که در آن هستند، کنش و واکنشی متقابل را نشان می‌دهند. اعتراض می‌شود و کسی به این اعتراض گوش نمی‌دهد، گزارش نوشته می‌شود و بعد انکار مثل تمام آسیب‌های اجتماعی، همه چیز را فراموش می‌کنند و دوباره بعد از گذشتن چند ساه، می‌توان بچه‌ها را سر چهارراه همیشه یکی، این‌بار نه خبری از بهزیستی برای جمع‌آوری هست و نه از فعالان مدنی که پیایه نویسند که پس نتیجه جمع‌آوری پیشین چه شد؟ اما از زمانی که طرح جمع‌آوری کودکان از سطح شهر آغاز شد، اعتراض‌ها شکل دیگری به خود گرفت. شایعه مرگ یک کودک در میان این جمع‌آوری‌ها بود و همچنین ردمزگردن کودکان افغانستانی بدون آنکه به خانواده‌هایشان اطلاع داده شود. در خبرها آمده بود بچه‌ها را با گول‌زدن به هوای خوردن غذای گرم سوار ماشین‌ها می‌کنند و در صورتی که اوراق هویتی نداشته باشند، رد مزی می‌شوند. از طرف دیگر، بیابیه‌ای از طرف فعالان حقوق کودک جمع‌آوری و امضا شد که در آن به شیوه این جمع‌آوری اعتراض شده بود. در بخشی ازاین بیابیه آمده است: «جمع‌آوری کودکان برای سی‌واندی بار و وعده‌های جدید در ۲۲ خرداد، هم‌زمان با روز مقلبه با کار کودک، بار دیگر رونما گردید. در این طرح که با اسامی مختلفی چون «ساماندهی»، «جمع‌آوری»، «جذب» اجرا می‌شود، کودکان طی فرایندهایی اضطراب‌آور و تنش‌زا دستگیر می‌شوند و به مراکز قرنطینه منتقل می‌شوند و ایام تلخی را (طبق اظهار خود کودکان) در مکان‌هایی نه‌چندان مناسب سپری می‌کنند؛ گاه از حق تماس با والدین و خویشاوندانشان محروم و گاه همچون یک زندانی حق خروج از اتاق و هواخوری در حیاط را جز برای یکی، دو ساعت ندارند. درحالی‌که در این مراکز گاه بر شدت آلام جسمی و روحی آنها افزوده می‌شود، دوباره به وضعیت قبل بازمی‌گردند. گرچه ادعای اصرارورزان بر اجرای این طرح‌ها، معرفی داولطانه کودکان، تشکیل پرونده حمایتی برای ایشان و بیکیری وضعیت کودکان است، در عمل نه‌تنها تاکنون هیچ‌یک از این ادعاها اثبات نشده، بلکه «زمزمه‌هایی مبنی بر رد مرز کودکان کار افغانستانی به گوش می‌رسد. در مرز این کودکان مصداق بارز نقض اصل عدم بازگردانی پناهجویان و پناهندگان در عرف بین‌المللی است».

این‌بار اخبار رسیده از طرح جمع‌آوری کودکان کار به‌شدت نگران‌کننده به نظر می‌رسد. بر اساس گزارش‌ها، از حدود دو ماه پیش طرح جمع‌آوری کودکان کار، به موجب ماده (۲) طرح، هرگاه کسی مرتکب اسیدپاشی شود و به‌موجب قانون، حکم آن قصاص نباشد یا به هر علت مانند فقدان یا گذشت شاکی قصاص اجرا نشود، برای مرتکب علاوه بر پرداخت دیه با ارش، در موارد جنایت بر نفس یا جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت زه‌دهیده، حبس تعزیری درجه یک و در سایر موارد بر حسب میزان دیه آن، براساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، حبس‌های درجه دو تا چهار پیش‌بینی شده است. همان‌گونه که بیان شد جرم اسیدپاشی علاوه‌بر جنبه خصوصی جرم نسبت به زه‌دهیده، ازنظر جنبه عمومی جرم نیز اهمیت بسزایی دارد و ایـن موضوع در ماده (۲) طرح پیش‌بینی شده است و حبس‌های تعزیری طولانی‌مدت، درجه یک تا چهار براساس میزان دیه تعیین شده است که در مقایسه مجازات تغییر شکل دائمی صورت از سایر اعضای بدن به‌ویژه چشم، دهان و دست، بسیار سنگین‌تر است. در این زمینه تشدید مجازات صورت گرفته است. یکی از نکات قابل توجه این ماده، تفکیک مجازات تغییر شکل دائمی صورت از تغییر شکل بدن به‌ویژه چشم، دهان و دست به اعضای بدن به‌عنوان مجازات تعزیری درجه یک است و تعیین حبس تعزیری درجه یک (بیش از ۲۵ سال) برای آن است. چنانکه برخی کشورها مانند بنگلادش با توجه به اهمیت عضو منظر و آسیب وارده‌شده بر زه‌دهیده، میزان مجازات را متفاوت تعیین کرده‌اند. برای نمونه، در «قانون کنترل جرم اسید» که در سال ۲۰۰۲ در این کشور به تصویب رسیده است، شخصی که اسید دیگری را به قتل برساند یا باعث ازبین‌رفتن بیابایی، شونایی یا صدمه یا تغییر شکل صورت، سینه‌ها یا اندام تناسلی او‌شود، به اعدام یا حبس ابد محکوم می‌شود و برای صدمه به قسمت‌های دیگر بدن بین هفت تا ۱۴ سال حبس پیش‌بینی کرده است. همچنین طبقه‌بندی مجازات تعزیری براساس میزان به اعضای بدن نکته قابل توجهی است که در ماده (۲) طرح برای رعایت تناسب میان جرم و مجازات پیش‌بینی شده است. نکته مثبت دیگری که در تبصره (۱) ماده (۲) طرح پیش‌بینی شده است و در جهت حمایت از زه‌دهیده و تسهیل جبران خسارت است، پرداخت دیه از بیت‌المال در صورت عدم دسترسی یا شناسایی مرتکب در فرضی که مرتکب اموالی نداشته باشد یا اموال وی کافی نباشد، است.

دستور کار دولت قرار گرفت و بهزیستی ملتمز به اجرای آن شد و شورای اجتماعی کشور نیز با وجود مخالفت نمایندگان شهرداری با این طرح، مصوب کرده بهزیستی کودکان را جمع‌آوری و در دو مرکز یاسر و بعثت نگهداری کند. در میان اعتراض‌ها به این طرح، ماجرای ردمزشدن کودکان غیرایرانی بود. از طرفی نیز داوود محمدی، نماینده مجلس، از وضعیت نامناسب کودکان در اقامتگاه‌های بهزیستی خبر داد. همچنین مدیرعامل انجمن حمایت از حقوق کودکان با انتقاد از طرح‌های موقت ساماندهی کودکان کار و خیابان پیشنهاد داد سازمان بهزیستی به‌جای برنامه‌های مقطعی، نگاه بلندمدت‌تری داشته باشد و به تدوین برنامه‌ای عملی دست بزند که با همکاری نهادهای مدنی و دولتی باشد. حبیب‌الله مسعودی‌فرید، معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کل کشور، در گفت‌وگو با «شرق» به ابهامات ایجادشده در زمینه این طرح پاسخ داد. او در پاسخ به این پرسش که چرا هرساله طرح جمع‌آوری کودکان به یک شکل اجرا می‌شود و اعتراض‌هایی را به دنبال دارد، گفت: مطابق آیین‌نامه ساماندهی، موظف به جمع‌آوری این کودکان از سطح خیابان هستیم. این کودکان باید ساماندهی بشوند؛ اما چند مسئله در این‌ها دیده می‌شود. در میان این کودکان، ۲۵۰۲۶۰ نفری که از طریق مؤسسه باران که کلینیک مددکاری اجتماعی است، جمع‌آوری شده‌اند، حدود ۸۲ تا ۸۳ درصد آنها غیرایرانی هستند و حدود ۵۰ درصد آنها نیز هیچ اوراق هویتی ندارند. اینکه تعداد زیادی از این کودکان قاجاق می‌شوند، گاملا برای ما محرز است. مطابق شرح حالی که مؤسسه حامی (مؤسسه حمایتی از زنان و کودکان پناهنده) اعلام کرده است، در قاجاق این کودکان شکی نیست؛ بنابراین در حوزه کودکان کار و خیابان با همه پراکندگی‌ای که در حوزه سبب‌شناسی این امر داریم، معتقدیم حتی خانواده برخی کودکان ایرانی آنها را وادار به تکدی‌گری و کار می‌کنند و از طرفی می‌دانیم کودکان افغان را در یک ماشین سواری ۱۶ نفره سوار کرده و در مرز رد می‌کنند تا برای کار به ایران بیایند. ما همه این آمار را به صورت کامل داریم و می‌دانیم آنها از کدام ایالت و چه زمانی آمده‌اند، ما می‌دانیم سیستمی برای قاجاق

جامعه

کلاف سردرگم جمع‌آوری کودکان افغانستانی که برای کار به ایران آورده می‌شوند

کودکان کار در منگنه قاجاق ورد مرز

شهرزاد همتی



عکس: احسان هاشمی، قاجاق

این کودکان وجود دارد. همین الان در میان این کودکان جمع‌آوری‌شده بین ۴۵ تا ۵۰ کودک داریم که نزد ما هستند و هیچ‌کس را در ایران ندارند و با وجود تمام پیگیری‌ها، هنوز هیچ‌کس سراغ آنها نیامده است. من اسم این اتفاق را برده‌داری نویسن علیه کودکان می‌گذارم. به هر دلیلی، به نظر من این کودکان نیستند که باید به خیابان بیایند و استثمار شوند. وی درباره فرایند این جمع‌آوری گفت: فرایندی که ما همیشه قبول داشتیم همان آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان است که آنجا تکلیف همه دستگاه‌های معلوم است. در همان روزهای اول این طرح به یکی از همکاران ما د مؤسسه آوای باران یا قاجاق حمله کرده‌اند و این نشان‌دهنده پیچیده‌بودن این مسئله است. به نظر ما تنها راه‌حل این ماجرا اجرای آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان است. حتی آیین‌نامه حمایتی جدید که تدوین شده هم درواقع شبیه همین آیین‌نامه قدیمی است. مطابق نقشه، ما در حال‌حاضر با تعداد زیادی از کودکان غیرایرانی مواجه هستیم. وی در پاسخ به این سؤال که آیا تصمیم به رد مرزگردن این کودکان دارید، گفت: اصلا رد مرزگردن این کودکان کار ما نیست. بهزیستی نهاد قضائی و امنیتی نیست. مطابق پروتکل وزارت کشور در ابتدا باید مشخص شود این کودکان دارای خانواده هستند یا نه، آیا کارت و پاسپورت دارند؟ بعد درباره آنها تصمیم گرفته شود. از میان این کودکان ۹۵ درصد افغانستانی و بقیه پاکستانی هستند. بنا این است که اگر این کودکان ویزا و پاسپورت دادند به خانواده آنها تذکر داده می‌شود که دیگر به خیابان نیایند. شما هم به هر کشوری بروید به شما اجازه نمی‌دهند سر چهارراه کار کنید، ایران هم از این قاعده مستثنا نیست. این مسئله مغایر با مصالح کودک است، چراکه بحث قاجاق کودکان کاملا محرز است. کار کودک هم اقسام مختلفی دارد و هم کار خیابانی است و هم زباله‌گردی است که ما به‌شدت مخالف زباله‌گردی هستیم و درباره این مسئله هم کاملا با شهرداری صحبت کرده‌ایم. تعداد زیادی از این کودکان زباله‌گرد هم افغانستانی هستند و باید فکر جدی دراین‌باره کرد. در این ماجرا چیزهای عجیبی می‌فروشد که کسی در این جمع‌آوری فروت شده است و ما این را تکذیب می‌کنیم و اگر مستندات این ادعا منتشر نشود ما

قطعا پیگیری دیگری خواهیم کرد، اما با اینکه ما مدت‌ها درباره فرایند این جمع‌آوری اندیشیده‌ایم، تأمین مکان برای این کودکان با شهرداری است، امنیت این بچه‌ها با نیروی انتظامی است. معاون اجتماعی سازمان بهزیستی در ادامه با اشاره به کودکان ایرانی جمع‌آوری‌شده نیز گفت: بچه‌های ایرانی با تعهد به خانواده تحویل داده می‌شوند و برایشان پرونده مددکاری تشکیل می‌شود و حمایت‌های لازم از آنها صورت می‌گیرد. فرید با اشاره به اعتراضات نهادهای مدنی به جمع‌آوری تصریح کرد: سؤال من این است که چرا وقتی این کودکان در خیابان هستند کسی برایشان بیانه نمی‌دهد؟ چرا وقتی قاجاق می‌شوند بیانه نمی‌دهند و چرا وقتی ما وارد ایـن موضوع می‌شویم می‌خواهیم آسیب‌ها را کاهش دهیم آنها بیابیه می‌دهند؟ من آمده‌ام یک مناظره هستم. آنها نظرم مخالف و متفاوت را برنمی‌تابند و آنچه که بیان می‌کنند با رفتارشان متفاوت است. همچنین دکتر فاطمه قاسم‌زاده، مدیر شبکه باری کودکان، با ابراز نگرانی درباره این جمع‌آوری گفت: بهزیستی در این جمع‌آوری نقش کمتری دارد. در آخرین جلسه ما نماینده فرمانداری اعلام کرد این حکم حکومتی است و باید اجرا شود. در همان جلسه من هم حضور داشتم و اعلام کردم ما سازمان‌های غیردولتی الزامی به اجرای حکم حکومتی نداریم. در آخرین جلسه نه شهرداری و نه بهزیستی هیچ‌کدام موافق این طرح جمع‌آوری نبودند، اما مجبور به اجرا شدند. وی افزود: ما از آنها سؤال کردیم که این کودکان را بعد از جمع‌آوری چه می‌کنید؟ گفتند ما می‌خواهیم آنها را بررسی کنیم تا ببینیم نیازشان چیست و نیازشان را برآورده کنیم. ما گفتیم شما می‌خواهید کودکان را دستگیر کنید و این اطلاعات را بگیرید؟ ما ۱۲ هزار کودک تحت پوشش سازمان‌های غیردولتی داریم. آنها همه پرونده دارند. چرا بچه را دستگیری می‌کنید تا خانواده‌شان پیدا کنید و با آنها آزار بدهید؟ ما هرچه پیشنهاد دادیم، اما آنها نپذیرفتند. وی در پاسخ به این سؤال که بالاخره با این کودکان وقتی که در خیابان مشغول به کار هستند چه باید کرد؟ گفت: مسئله آنها فقر است، اگر ما قبول داریم علت کار کودک فقر است، باید به خانواده‌اش کمک کنیم. ما کودکانی تحت پوشش داریم و حداقل ۱۲ درصدشان را توانستیم در کار کنترل کنیم و آنها دیگر در خیابان کار نمی‌کنند و حدود چهار درصد راهی از چرخه کار را به طور کامل داریم.

قاسم‌زاده درباره قاجاق این کودکان از خارج از کشور نیز گفت: ایران تنها کشوری است که در آن طرف مرز کمپی ندارد تا بتواند افرادی را که وارد کشور می‌شوند مورد بررسی قرار دهد تا از قاجاق کودک جلوگیری کند. جواب بی‌دروپیکربودن مرزها را نباید کودکان بدهند. وقتی کودکی وارد کشور می‌شود، مطابق کنوانسیون‌ها وظیفه نگهداری این کودکان با کشور میزبان است و ما به‌شدت مخالف زباله‌گردی هستیم و درباره این مسئله هم کاملا با شهرداری صحبت کرده‌ایم. تعداد زیادی از این کودکان زباله‌گرد هم افغانستانی هستند و باید فکر جدی دراین‌باره کرد. در این ماجرا چیزهای عجیبی می‌فروشد که کسی در این جمع‌آوری فروت شده است و ما این را تکذیب می‌کنیم و اگر مستندات این ادعا منتشر نشود ما

نموده است. البته به منظور پیشگیری از تحمیل هزینه بر صندوق تأمین خسارت و نیز سازمان بهزیستی در مورد ارائه خدمات روان‌شناختی، مددکاری و توانبخشی که در تبصره این ماده به آن اشاره شده است این امکان فراهم شده است که این نهادها بتوانند برای جبران هزینه‌های خود به مرتکب یا با توجه به تسبیب مراجعه کنند. در مورد جرم اسیدپاشی از توجیه باید یابودن هزینه‌های درمانی و اینکه دغدغه اصلی زه‌دهیدگان این جرم حتی پیش از تصدید مجازات مرتکب، تأمین هزینه‌های درمان است و پیش‌بینی پرداخت هزینه‌های مذکور از محل صندوق می‌تواند تا حدودی زه‌دهیدگان را در بازگشت به زندگی عادی و تبعات ناشی از این جرم التیام بخشد. همچنین با توجه به اینکه زه‌دهیده بر اثر ارتکاب جرم در وضعیت جسمی و روحی مساعدی به سر نمی‌برد روند رسیدگی طولانی قضایی و اطاله دادرسی در اینگونه موارد او را با مشکلات بیشتری روبرو خواهد ساخت بنابراین تسریع دادرسی و رسیدگی خارج از نوبت به اینگونه دعاوی می‌تواند تا حدودی وی را در احقاق حق حمایت کند که این موضوع در ماده (۱) طرح پیش‌بینی شده است. تجدید نظر و اصلاح ماده واحده مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب سال ۱۳۳۷، از آن جهت که مدت زمان زیادی از آن می‌گذرد و کیفر آن چندان تناسبی با جرم ارتکابی ندارد و نیز فاقد هرگونه تدابیر حمایتی نسبت به زه‌دهیدگان این جرم است امری ضروری است، از این رو طرح مذکور در جهت تشدید کیفر و جهت تناسب بیشتر با جرم و نیز حمایت‌های مادی و معنوی از زه‌دهیدگان تدوین شده است ولی توجه به این نکته ضروری است که صرف تعیین مجازات‌های حبس طولانی مدت و یا سختگیری در اعمال نهادهای ارفاقی برای مرتکب اینگونه جرایم نمی‌تواند به اندازه کافی بازدارنده باشد، بلکه اتخاذ تدابیر پیشگیرانه مانند راهکارهایی به منظور ضابطه‌مند نمودن خرید و فروش، توزیع و عرضه اسید و سایر ترکیبات شیمیایی از اهمیت زیادی برخوردار است و تجربه موفق سایر کشورها نظیر بنگلادش، هند و پاکستان در زمینه وضع مقررات مربوط به کنترل خرید و فروش اسید نیز نشان داده است که میزان ارتکاب این جرم به طور قابل توجهی در این کشورها کاهش یافته است.

خبر

۸ استان کشور دارای ناامنی غذایی هستند

● تسنیم؛ مدیر کل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت گفت: بر اساس برنامه‌های بهبود تغذیه، هشت استان کشور که دارای ناامنی غذایی هستند که استان سیستان وبلوچستان نیز یکی از این استان‌هاست، در اولویت برنامه‌ریزی عملیاتی بهبود تغذیه هستند. زهرا عبداللهی با اشاره به اینکه مصرف شکر و غذاهای پرچرب به عنوان دو الگوی غذایی نامناسب در ایران رواج بیشتری دارد، خاطرنشان کرد: برخی از الگوهای نامناسب غذایی مردم، مهم‌ترین عامل خطر ابتلا به بیماری‌هایی نظیر دیابت، بیماری‌های قلبی- عروقی، سرطان‌ها، فشارخون، قندخون و چاقی و اضافه‌وزن است. وی ادامه داد: تا ۳۰ درصد انرژی مورد نیاز روزانه بدن باید از چربی‌ها تأمین شود و دریافت بیش از این مقدار چربی، به اضافه وزن، چاقی و حرکت‌کردن به سمت بیماری‌ها و ریسک فاکتورهای بیماری‌زا منجر خواهد شد. بر اساس برنامه‌های بهبود تغذیه، هشت استان کشور که دارای ناامنی غذایی هستند که استان سیستان وبلوچستان نیز یکی از این استان‌هاست، در اولویت برنامه‌ریزی عملیاتی بهبود تغذیه هستند. وی تأکید کرد: برخی از بیماری‌های غیرواگیر که در این استان‌ها رایج است، به دلیل رژیم غذایی نامناسب شیوع پیدا کرده و بر اساس سند بهبود تغذیه ایران همه مراجران را مراکز خدمات جامع سلامت، باید خدمات مشاوره ر از کارشناسان تغذیه مستقر در مراکز دریافت کنند.

کاهش صدور پروانه ساختمانی در تهران

● شرق؛ سرپرست اداره کل تدوین ضوابط، نظارت و صدور پروانه شهرداری تهران، آمار سه‌ماهه صدور پروانه ساخت‌وساز را تشریح کرد. حامد سلیمی با اشاره به آمار سه‌ماهه صدور پروانه در تهران گفت: از ابتدای فروردین تا پایان خردادماه امسال، دوهزارو ۲۳۸ مورد پروانه ساختمانی در پایتخت صادر شد که این تعداد در مدت مشابه سال قبل سه‌هزارو ۶۱ مورد بود. وی ادامه داد: از تعداد پروانه‌های صادره در سه‌ماهه نخست امسال، حدود دوهزارو ۴۳ پروانه در پهنه (مسکونی)، ۱۳۸ مورد در پهنه (مختلط تجاری، اداری و مسکونی) و ۴۲ مورد در پهنه (کار و فعالیت) قرار دارد. به گفته سلیمی، از مجموع پروانه‌های صادرشده در سال گذشته نیز حدود دوهزارو ۸۶۱ مورد در پهنه مسکونی، ۱۴۴ مورد در پهنه مختلط و ۳۳ مورد در پهنه کار و فعالیت جاری گرفته‌اند. سرپرست اداره کل تدوین ضوابط، نظارت و صدور پروانه شهرداری تهران با اشاره به فراوانی صدور پروانه در ۲۲ منطقه گفت: سالل ۹۸ بیشترین فراوانی صدور پروانه در منطقه ۴ با ۲۰۲ مورد، منطقه ۱۵ با ۱۹۳ مورد و منطقه ۱۴ با ۱۴۵ مورد رقم خورد. کمترین میزان صدور پروانه نیز به‌ترتیب در منطقه ۹ با ۵۶ مورد، منطقه ۱۲ با ۴۷ مورد و منطقه ۶ با ۳۳ مورد صورت گرفت. سلیمی ادامه داد: سال ۹۷ نیز بیشترین تعداد پروانه با ۳۱۱ مورد در منطقه ۱۵، با ۲۹۴ مورد در منطقه ۱۴ و ۲۴۸ مورد در منطقه ۸ صادر شد. منطقه ۱۲ با ۶۱ مورد، منطقه ۱۹ با ۴۴ مورد و منطقه ۲۲ با ۴۳ مورد کمترین میزان صدور پروانه در سه‌ماهه نخست سال گذشته را ثبت کردند. وی در پاسخ به این سؤال که دلیل کاهش صدور پروانه در سال جاری چیست، گفت: بخشی از این موضوع به رکود ساخت‌وساز در کشور به‌ویژه تهران برمی‌گردد و بخش دیگر به ابهاماتی که از سوی فرمانداری تهران پیش از تأیید مصوبه بهمن‌ماه سال گذشته شورای اسلامی شهر تهران مطرح شد، مربوط است. سلیمی در ادامه تصریح کرد: بر اساس آمارى که از اتحادیه مشاوران املاک دریافت کردیم، از ابتدای فروردین ۹۷ تا پایان اردیبهشت ۹۸ حدود ۱۶۵ هزار معامله ثبت‌شده رسمی و مورد تأیید در تهران داشتیم که در حدود ۶۸ هزار مورد آن، سن ساختمان تا پنج سال بود.

کاهش یک‌سومی مرگ‌ومیر مبتلایان به ایدز

● ایسنا؛ سازمان ملل اعلام کرد تعداد مرگ‌ومیرهای ناشی از بیماری ایدز از سال ۲۰۱۰ میلادی حدود یک‌سوم کاهش داشته است. بنا بر اعلام سازمان ملل مرگ‌ومیر ناشی از بیماری ایدز سال گذشته کاهش داشته و به حدود ۷۷۰ هزار نفر رسیده است و نسبت به آمارهای ثبت‌شده در سال ۲۰۱۰ کاهش ۳۳ درصدی داشته است. سازمان ملل هشدار داده است با وجود کاهش مرگ‌ومیر در میان مبتلایان به ایدز اقدامات جهانی برای ریشه‌کن‌کردن این بیماری به کندی پیش می‌رود، زیرا بودجه اختصاص‌یافته به آن در حال کاهش‌یافتن است. برآوردها نشان می‌دهد اکنون حدود ۳۷.۹ میلیون نفر در جهان به بیماری ایدز مبتلا هستند و ۲۳.۳ میلیون نفر از آنان به درمان ضد رتروویروسی دسترسی دارند. در این گزارش با تأکید بر اینکه از اواسط دهه ۱۹۹۰ و افزایش شیوع بیماری ایدز پیشرفت‌های خوبی در این زمینه حاصل شده، آمده است تعداد افرادی که بر اثر این بیماری جان خود را از دست داده‌اند، از ۸۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۷ به ۷۷۰ هزار نفر در سال گذشته کاهش پیدا کرده که این رقم از سال ۲۰۱۰ بیش از یک‌سوم کاهش داشته است.